

چند معنایی واژگان از منظر علامه طباطبایی در سوره بقره

عاطفه پولاد^۱

چکیده

چند معنایی عبارت است از این که یک لفظ در عبارات گوناگون دارای معنایی متعدد باشد. در واقع چندمعنایی همان اشتراک لفظی است؛ یعنی واژه‌ای در لغت دارای دو یا چندمعنا باشد. که در تفسیر و معنای آیات الهی و همچنین علوم قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ نظر به اهمیت این بحث، در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی، تلاش شد تا پدیده چندمعنایی در سوره بقره با محوریت المیزان مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از نظر علامه طباطبایی، آیات قرآن دارای لایه‌ها و وجوه معنایی گوناگون است که از حیث معنی مراتب مختلفی دارند، آیاتی که تحمل معانی متعدد را دارند و آیاتی که به یک معنای خاص تصریح دارند. علاوه بر این، در سوره بقره واژگان چندمعنا با توجه به اشتراک لفظی چون اثم، سبب، رؤیت، تربص وجود دارد. علامه در بحث اشتراک لفظی معتقد است که هر لفظ برای یک معنا وضع می‌شود؛ ولی وجود معانی متعدد برای الفاظ را نیز نفی نکرده و آن را صحیح می‌داند. سیاق هم یکی از شیوه‌های تحلیلی است که در وجوه و نظائر قرآنی تأثیرگذار بوده و حجیت آن امری عقلایی است و تنها قرینه متصل به آیه، سیاق است. علامه طباطبائی در همه جای المیزان از این روش کمک گرفته است؛ از این رو در همین سوره واژه رویت و تربص بیانگر بحث چند معنایی است. واژه‌های فسق در مبحث حقیقت و واژگان قلب و اشتراء نیز با توجه به جنبه مجاز آن مورد بررسی قرار گرفته است. کنایه نیز سبب چندمعنایی در قرآن کریم در واژگانی چون مَس و تدلوا در این سوره از منظر علامه بیان شده است.

کلیدواژه: چند معنایی، اشتراک لفظی، حقیقت و مجاز، کنایه، علامه طباطبائی، وجوه و نظائر.

^۱ طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهراء - سلام الله علیها - اصفهان، (نویسنده مسئول)، (atefepoolad13@gmail.com)

بیان مسئله

چندمعنایی واژگان قرآن کریم، یکی از دانش‌های مهم و کاربردی در فهم، ترجمه و تفسیر زبان آیات الهی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را از ضروریات اولیه در ترجمه و تفسیر قرآن دانست و ازجمله مسائلی است که در پژوهش‌های قرآنی از اهمیت و آثار فراوانی برخوردار است. از اینرو نظرات متفاوتی را می‌توان در بین صاحب نظران قرآنی و مفسران بزرگ اسلامی مشاهده نمود که مشهورترین و صحیح‌ترین این دیدگاه‌ها پذیرش کاربرد چند معنایی در لغت عرب و قرآن کریم است، هرچند بسیاری از مفسران با گرایش‌های متفاوت به تفسیر قرآن روی آورده و هرکدام، قرآن را از منظر خاصی تفسیر کرده‌اند و حتی بسیاری از معانی و نتایج به‌دست‌آمده در تفاسیر مختلف، با یکدیگر متفاوت است. و انسان در مواجهه با این برداشت‌های مختلف از قرآن، ممکن است متحیر شود که کدام‌یک از برداشت‌ها و معانی، مراد خدای متعال است؟ و کدام معنا صحیح و کدام برداشت و تفسیر صحیح نیست؟ شناخت چندمعنایی در پاسخ این سؤالات معنا شناسانه بر اساس ضوابط و قواعدی خاص، مسائل لغوی را تحلیل نموده، تلاش دارد این ابهام را در محدوده معانی واژگان برطرف نماید. اگرچه نمی‌توان همه ابهامات و مشکلات موجود در فهم قرآن را با این ابزار به سامان رساند؛ اما با توجه به اینکه فهم معانی واژگان اهمیت بسزایی در فهم متن دارد، این مباحث در حوزه معناشناسی قرآن کریم امری ضروری است، البته باید یادوری نمود، این دانش تحت عنوان وجوه و نظایر نیز آمده و در همین راستا امام علی «علیه‌السلام» وقتی «ابن عباس» را برای گفت‌وگو و مذاکره به‌سوی خوارج می‌فرستد به او توصیه می‌کند، «لا تخصمهم بالقرآن فان القرآن حمال ذو وجوه تقول و يقولون و لكن حاجبهم بالسنة فإنهم لن يجدوا عنها محيصاً» با آنها با قرآن مخاصمه نکن زیرا قرآن دارای وجوه مختلف است، تو می‌گویی و آنها هم می‌گویند پس با سنت با آنها به احتجاج بپرداز که از سنت‌گزینی نخواهند یافت؛ یعنی ابن عباس نباید با قرآن با خوارج احتجاج کند، چون قرآن قابلیت توسعه معنایی را دارد و خوارج ممکن است وجوه معنایی صحیح را نپذیرند.

در زمینه نوشته‌های مفسران از جمله: محمد طاهر بن عاشور صاحب تفسیر «التحریر و التنویر» است. همچنین از مفسران معاصر که به این بحث توجه ویژه داشته، آیت‌الله مکام شیرازی – مؤلف تفسیر نمونه – است. وی در کتاب اصولی‌اش موسوم به «انوار الاصول» اشاره‌ای کوتاه به این موضوع در تفسیر قرآن دارد. همچنین علامه طباطبایی با اینکه تفسیر و یا کتاب علوم قرآنی‌اش «قرآن در اسلام» مسأله استعمال لفظ در بیش از یک معنا را به‌صورت مستقل مطرح نکرده، همچنین در تفسیر المیزان معانی باطنی را در طول معانی ظاهری آیات دانسته، و آن را بیگانه از قضیه استعمال لفظ در بیش از یک معنا معرفی کرده است؛ ولی به‌طور مجمل یا مفصل به بحث چند معنایی و وجوه و نظایر در کلمات و آیات قرآن پرداخته است. به همین دلیل اگر چه کتاب «چندمعنایی در قرآن کریم» نوشته دکتر طیب حسینی به موضوع چندمعنایی پرداخته ولی بیشتر میدان‌شناسی معنایی انجام داده است ولی در این نوشتار سعی شده که معناشناسی در کلام علامه طباطبایی به تصویر کشیده شود. مقالاتی هم در این زمینه نوشته شده مانند: بررسی ادله موافقان و مخالفان چندمعنایی در قرآن کریم (شماره ۹، ۱۳۹۶)، بررسی وجوه معنایی کتب در قرآن براساس کتب وجوه و نظائر (شماره ۳، ۱۳۹۷) هرچند محققان در زمینه

چندمعنایی پژوهش‌هایی داشته‌اند؛ اما تفاوت دیگر این نوشتار در این است که محقق سعی کرده تا در پرتو تفسیر المیزان، اثر گران سنگ علامه طباطبائی، واژگان چندمعنایی سوره بقره را از حیث اشتراک لفظی، حقیقت و مجاز و کنایه موردبررسی قرار دهد و اهتمام محقق بر جمع‌آوری واژه‌هایی بود که علامه از استدلال‌های وسیع‌تر و تحلیل‌های بهتری استفاده کرده بود که این امر در سایر پژوهش‌ها یافت نشد. بدین منظور که تقسیم‌بندی جدیدی در این زمینه صورت گرفته و آن عبارت است از تقسیم‌بندی واژگان چندمعنایی بر اساس حقیقت و مجاز و کنایه و مشترک لفظی.

مفهوم‌شناسی

تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمات کلیدی، نقش به‌سزایی در پیشبرد اهداف موردنظر مباحث دارد، چون ممکن است خواننده با محتوای ذهنی خاصی که دارد یا از موارد دیگر کسب کرده است، به سراغ مباحث دیگر رفته و از درک مطلب عاجز بماند؛ از این‌رو در زیر، مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مرتبط با این پژوهش بیان می‌شود.

وجوه

وجوه جمع وجه، در لغت به معنای روی و چهره هر شیء است. مهتر، حالت، مأخذ و دلیل و آنچه انسان به آن - از عمل و غیر آن - روی می‌آورد، از دیگر معانی این کلمه است. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۶۴۹: ۲) سیوطی در تعریف اصطلاحی وجوه تعریف مستقلی ارائه داده و می‌گوید: «وجوه» لفظ مشترکی است که در چند معنا به کار می‌رود، مانند لفظ «امّه» که به سه معنای ملت، طریقت و مدت در قرآن آمده است. به عبارت دیگر موضوع علم وجوه، شناختن معانی مختلفی است که یک کلمه در جای‌جای قرآن به آن معانی به‌کاررفته است. (سیوطی، ۱۳۹۲، ۴۸۷: ۱)

وجوه همان معانی کاربردی هر یک از الفاظ در پهنه‌ی آیات قرآن است، اعم از آن که معانی حقیقی باشد یا مجازی یا استعاری یا کنایی یا مصداقی و یا به صورت مشترک لفظی.

نظائر

نظائر جمع نظیر در لغت به معنای همانند و مساوی است. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۶۱۲: ۱۰۲) و در اصطلاح نظائر الفاضی است که از نظر معنا با یکدیگر هماهنگ و هم‌تا باشند، مانند الفاظ مترادف که معانی آن‌ها یکسان یا به هم نزدیک است. (سیوطی، ۱۳۹۲ش، ۴۸۷: ۱)

چند معنایی

چند معنایی، یک پدیده زبانی است که هم در کلام روزمره ما، که هدف، صرفاً ارتباط است، فراوان یافت می‌شود و هم در زبان ادبی دارای سطوح معنایی پیچیده است. در یک عبارت ساده می‌توان گفت: چند معنایی یعنی این که یک واژه بر معانی متعدد دلالت نماید. (سلوی، ۱۳۸۲، ۶۷-۵۶:۱)

در علم معنا شناسی تفاوت ظریفی بین چند معنایی و اشتراک لفظی قابل توجه است؛ تعبیر چند معنایی از سوی معناشناسان، شامل اشتراک لفظی نیست؛ در چند معنایی سخن از رابطه‌ی بین دو واژه با یکدیگر نیست، بلکه سخن از یک واژه است که می‌تواند در معانی متعدد به کار برده شود (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۰) به عبارت دیگر، اگر اصل دو واژه مختلف از هم باشد، آن را مشترک لفظی و اگر هر دو واژه به یک ریشه برگردند آن را داخل در چند معنایی می‌دانیم.

اما زبان شناسان، اشتراک لفظی را از علل پدیده‌ی چند معنایی در زبان می‌دانند و به همین جهت یکی از اقسام چند معنایی است. مثلاً واژه «نجم» به عنوان مشترک لفظی هم به معنای ستاره و هم به معنای بوته به کار رفته و امکان استنباط دو معنا را در آیه فراهم کرده است. (باطنی، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

به اعتقاد علامه طباطبایی اصل بر آن است که هر لفظ برای یک معنا وضع شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۱/۳) اما وجود معانی متعدد برای الفاظ نیز نفی نشده، بلکه آن را صحیح می‌داند. (همان، ۱۵/۶)

یکی از قرائن تعیین معنای مشترک لفظی، توجه به استعمالات قرآنی و کاربردهای لفظ در قرآن کریم است. گاهی از اوقات اصلاً نیازی نیست که مفسر، خود را بین معانی متعدد یک لفظ مشترک سر در گم کند تا بتواند تفسیر مناسبی برای آیه بیابد؛ زیرا از بین معانی گوناگون آن واژه بعضی از معانی اصلاً در قرآن کاربرد نداشته‌اند و فقط لازم است تعداد کمی از احتمالات بررسی شود. مثلاً علامه ذیل آیه «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (نساء/۱۰۱) در بیان معنای واژه‌ی «فته» می‌نویسد: هر چند واژه معنای گوناگونی دارد، اما آن چه از اطلاق آن در قرآن به ویژه درباره‌ی کافران و مشرکان معهود است؛ همان معنای شکنجه؛ یعنی کشتن و زدن است. قرائن موجود در کلام نیز این معنا را تأیید می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۱/۵) همچنین علامه مجاز را به عنوان یکی از بسترهای چند معنایی لفظ می‌پذیرد. ولی حمل بر مجاز را در صورتی صحیح می‌داند که نتوان مفهومی را بر حقیقت حمل کرد. (همان، ۱۱۰/۱۳) همچنین علامه، نقش استعاره را در مشترک لفظی نفی نکرده است. وی درباره‌ی معنای واژه‌ی «ید» معتقد است با این که بسیاری از علمای لغت برای این واژه معانی زیادی غیر از «دست» از جمله قدرت، قوت، نعمت، ملک ذکر کرده‌اند، اما در حقیقت، اصل این کلمه فقط برای معنای «دست» وضع شده و در سایر معانی فقط به صورت استعاره استعمال شده است؛ زیرا هر کدام از این معانی اموری هستند که هر یک به نوعی با دست ارتباط پیدا می‌کنند، بنابراین معنای این کلمه در آیات قرآن بر حسب اختلاف مورد، متفاوت است. (همان، ۳۴/۶) علامه معتقد است معنای کنایی الفاظ یکی از مجاری چند معنایی است و چنانچه بتوان لفظی را بر دو معنای حقیقی و کنایی حمل کرد؛ باید کنایه را از

مصادیق اشتراک لفظی به شمار آورد. (طباطبایی، ۲۲۷/۵) اما علامه حمل لفظ مشترک بر چند معنا به صورت همزمان را ممنوع دانسته و استعمال یک لفظ در چند معنا به طوری که آن معانی در عرض یکدیگر باشند را جایز نمی داند. (طباطبایی، بی تا: ۴۸-۴۹)

۱- چند معنایی بودن زبان قرآن

زبان قرآن کریم، زبانی با معانی چند لایه و چند بطنی است که از جنبه‌های اعجاز آن به حساب می‌آید. براساس روایات، قرآن کریم در هفت یا در بعضی دیگر از روایات هفتاد بطن معنایی است. که از دیرباز نگاه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده و تلاش‌های زیادی از جهت کشف معانی آن انجام داده‌اند. بنابراین از مباحث مهم زبان شناسی در زمینه معناشناسی، اصطلاح «چند معنایی» است.

۲- وجوه و نظایر در علوم قرآنی و مفردات و تفسیر

دانش وجوه و نظائر جایگاه مهمی در علوم قرآنی دارد. این علم جزء علوم قرآنی محض است.

از آنجایی که موضوع علم وجوه و نظائر، واژگان قرآنی است که از نظر معانی متفاوت و مترادف است، وجوه و نظائر جزء علوم قرآنی محض به شمار می‌رود. این دانش، یکی از شاخه‌های مفردات قرآن بوده و علم مفردات یکی از دانش‌های قرآنی است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۲:۲۲۹۸)

علم مفردات یا واژه‌شناسی قرآن، دانشی است که درباره تک واژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند. به این صورت که هرگاه شخصی معنای واژه‌ای از واژگان قرآنی را نمی‌داند، با مراجعه به کتاب‌های لغوی- مانند مفردات راغب اصفهانی- می‌تواند معنا، ریشه، موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. (همایی، ۱۳۹۳: ۲۴)

از سویی دیگر در دانش مفردات، بحث می‌شود که این معانی متفاوت برای یک لفظ واحد استعمال شده‌اند، چه ارتباطی بامعنای اصلی دارند؟ مثلاً لفظ «رحمت» که در معانی ایمان، بهشت، نعمت، نبوت، روزی، عاقبت و... به کار رفته (تفلیسی، ۱۳۶۰: ۱۱۲) آیا این معانی به معنای واحدی بازمی‌گردند یا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؟ و اگر به معنای واحدی بازمی‌گردند، چه علاقه‌ای بین معنای اصلی و معنای برگرفته از آن وجود دارد؟ در مورد ارتباط وجوه و نظائر با تفسیر نظرات متفاوتی وجود دارد. (معرفت، ۵:۴۱۶)

برخی معتقدند وجوه و نظائر جزء دانش تفسیر است؛ درحالی‌که مشخصاً وجوه و نظائر و تفسیر مستقل از یکدیگرند. تفسیر علمی است که در آن از سخن خدا (قرآن) از جهت دلالت آن بر مراد حق تعالی بحث می‌شود. (طریحی، ۱۳۶۷، ۳:۴۰۱)

در قرآن غالباً مورد استعمال آن درباره ی وسیله ی ادراک انسان و آن چیزی است که به واسطه ی آن عواطف باطنی مانند حب و بغض، آرزو و نگرانی آن را بروز می دهد؛ در حقیقت قلب همان نفس انسانی است که با قوا و عواطف باطنی تجهیز شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۶/۹)

ب- اشتراء: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره: ۱۶)؛ همین ها هستند که ضلالت را به جای هدایت برگزیدند و تجارتشان سود نکرد و هدایت نیافتند.

بیع به معنای فروختن و شراء به معنی خریدن است، هر کدام به جای دیگری نیز به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۲۲: ۲) و جزء واژگان اضداد هستند. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۴۲۸: ۱۴) اضداد به واژگان مشترکی گفته می شود که بر دو معنای متضاد دلالت می کنند؛ به گونه ای که اجتماع آن ها بر یک شیء واحد صحیح نباشد؛ مانند واژه قُرء که هم زمان هم بر معنای پاکی و هم ناپاکی دلالت می کند. سیوطی اضداد را یکی از انواع لفظ مشترک دانسته است. (سیوطی، بی تا: ۳۸۷/۱)

اشتری در آیه ۱۱۱ سوره توبه به معنای خریدن به کاررفته است. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»؛ خداوند بعد از اینکه سرگذشت منافقان را بیان فرمود دنبالش مردم را تشویق کرده و آیه ان الله اشتری ... را بیان کرد.

حقیقت معنای خرید و فروش در مورد خداوند شایسته نیست زیرا مشتری و خریدار آنچه را در ملک و تصرف او نیست خریداری می کند در حالی که خداوند مالک تمام چیزهاست لکن منظور در این آیه از لفظ خریدن برای تأکید پاداش است و این تعبیر از باب مجاز می باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۱۳: ۵) علامه نیز این وعده خداوند را در قالب تمثیل می داند و بیان می کند که خداوند وعده بهشت را به خرید و فروش تشبیه کرده است که خود خدا خریدار، مومنین فروشنده، جان و مال آن ها کالای مورد معامله و بهشت را قیمت و کتاب های تورات و انجیل و قرآن را سند معرفی کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۵/۹)

یکی از مهمترین محورهای بررسی پژوهش های قرآنی، کشف و تبیین دقیق معانی واژگان در آیات الهی است تا بدین طریق، فهم و دریافت گزاره های دینی، صحیح انجام گیرد. این فهم با بررسی واژه ها در سوره بقره با محوریت المیزان کاملاً بارز و مشهود بود، مخصوصاً با ظرافت هایی که علامه در پیدا کردن معنای صحیح واژگان به کار برده است.

دانش چند معنایی (وجوه و نظایر) یکی از مباحث علوم قرآنی است که راه احتمال را در فهم معانی قرآن باز کرده و گاهی باعث به اشتباه افتادن عده‌ای و گاهی باعث دستاویز قرار دادن برخی از فتنه‌جویان به منظور شبهه‌افکنی در معانی و مفاهیم پاره‌ای از واژه‌ها و آیات قرآن شده است. بنابراین آشنایی با وجوه و احتمالات یک ضرورت برای وارد شدن به عرصه‌ی فهم معانی قرآن است. این پژوهش با هدف دستیابی واژگان چند معنا در سوره بقره انجام شد و معلوم شد که وجوه، همان معانی کاربردی هریک از الفاظ در آیات قرآن است. این معانی حقیقی یا مجازی و یا استعاری و کنایی و یا به صورت مشترک لفظی می‌باشند. در توضیح این مطلب بیان شد، به دلیل وجود اشتراک معنوی و لفظی، حقیقت و مجاز، کنایه و استعاره در زبان عربی و دلایل دیگر، چند معنایی به وجود می‌آید، البته در مورد چند معنایی در قرآن بین اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین پژوهشگران علوم قرآنی حتماً باید از وجوه و معانی واژگان و موارد استعمال آن‌ها که اغلب در کتب وجوه و نظایر ذکر شده، آگاهی داشته باشند؛ ولی از آنجایی که دانش وجوه قرآن، ضابطه‌ای برای بیان معانی مورد نظر ارائه نداده است؛ از این رو، صحت و سقم معانی موجود در کتب وجوه باید در درون و سیاق آیات محک زده شود و با جستجو در کتب لغت، استمداد از روایات و در نظر گرفتن شرایط صرفی و نحوی معانی کلمه به دست آید. در آخر با بررسی واژه‌ها در سوره بقره با محوریت المیزان مشخص شد که واژگان در آیات مختلف با توجه به بافت و دیگر عوامل تأثیرگذار دارای معانی متفاوتی می‌شوند. البته تحلیل واژگان به دست آمده محدود به اطلاعاتی شد که علامه ارائه داده بودند والا تک تک این واژگان می‌توانند در ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

* قرآن کریم

- ۱- باطنی، محمد رضا، زبان و تفکر، چاپ هفتم، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۸.
- ۲- پاکتچی، احمد، ترجمه شناسی قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام- ۱۳۹۲.
- ۳- تفلّیسی، حبیب بن ابراهیم، وجوه قرآن، چاپ چهارم، تهران: بنیاد فرهنگی قرآن، ۱۳۶۰.
- ۴- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، سید مهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- ۵- خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات دوستان، پاییز ۱۳۷۷.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۳، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- ۸- سلوی محمد الحوا، بررسی زبان شناختی وجوه و نظائر در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: به نشر، ۱۳۸۲.
- ۹- صفایی، غلامعلی، ترجمه و شرح مغنی الأدیب، چاپ هشتم، قم، قدس، ۱۳۸۷.
- ۱۰- طیب حسینی، محمود، چند معنایی در قرآن کریم (درآمدی بر توسعه دلالت‌های قرآنی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- ۱۱- عرفان، حسن، تهذیب البلاغه، چاپ اول، بی‌جا: محدث، پاییز ۱۳۸۲.
- ۱۲- کوثری، عباس، فرهنگنامه تحلیل وجوه و نظائر در قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۹۴.
- ۱۳- همایی، غلامعلی، واژه‌شناسی قرآن مجید، چاپ چهارم، قم: ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳.
- ۱۴- همایی، غلامعلی، درس نامه مفردات قرآن، چاپ پنجم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۵.

منابع عربی

- ۱۵- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مصحح: طناحی، محمود محمد، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ۱۶- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ، بی‌تا.
- ۱۷- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.

- ۱۸- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، بی جا: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵.
- ۱۹- تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، چاپ اول، قم: انتشارات امام المنتظر (عج)، ۱۴۲۴.
- ۲۰- تهنوی، کشف، اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، چاپ اول، بیروت: بی جا، ۱۹۹۶.
- ۲۱- خمینی، مصطفی، تحریرات فی الاصول، چاپ اول، بی جا: مؤسسه عروج، آبان ۱۳۷۶، جمادی الثانی ۱۴۱۸.
- ۲۲- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات الالفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲.
- ۲۳- زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰.
- ۲۴- سبجانی، جعفر، تهذیب الاصول، تقریر امام خمینی (ره)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵، ۱۳۶۳.
- ۲۵- سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغة و انواعها، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
- ۲۶- صباغ، محمد بن لطفی، بحوث فی اصول التفسیر، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۸.
- ۲۷- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷.
- ۲۸- -----، حاشیه الکفایه، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، بی تا.
- ۲۹- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- ۳۰- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، بی جا: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- ۳۱- العاملی، ابومنصور جلال الدین الحسن بن زین العابدین، معالم الدین، چاپ چهارم، بی جا: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰.
- ۳۲- الغزالی، ابی حامد محمد بن محمد، المستصفی، چاپ سوم، بیروت: بی نا، ۱۴۱۳.
- ۳۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- ۳۴- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴.
- ۳۵- مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، چاپ دوم، قم: بی نا، شهریور ۱۳۴۸.
- ۳۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰.
- ۳۷- مظفر، محمدرضا، المنطق، کاظمین: مؤسسه الامام الجواد للفکر و الثقافه، ۱۴۳۶.
- ۳۸- معرفت، محمد هادی، التمهید، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ۳۹- الهاشمی، السید احمد، جواهر البلاغه، چاپ اول، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم: بی نا، بی تا.

مقالات

- ۴۰- جعفری، یعقوب، «ضرورت شناخت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن کریم»، مجله ترجمان وحی، شماره ۴، اسفند ۱۳۷۷.
- ۴۱- ربانی، محمدحسن، نقش سیاق در تفسیر، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲۷ و ۲۸.
- ۴۲- عمادی الهیاری، زهرا، بررسی تطبیقی قواعد تفسیر در «المیزان» و «التحریر و التنویر»، شهریور ۱۳۹۵، رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث.
- ۴۳- محمدرضا ستوده‌نیا، سعید آخوندی یزدی، سید مهدی سلطانی رنانی، بررسی تطبیقی سیاق از دیدگاه قرآن‌پژوهان معاصر، فصلنامه علوم قرآنی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۱۵.
- ۴۴- معینی کوهی، فخری، هادی حجت، اشتراک لفظی در قرآن کریم و تأثیر آن بر اهم ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن، نشریه کتاب و سنت، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳.